

ناترازی در توزیع تجهیزات به مدارس

نفوذ نمایندگان مجلس و تبدیل ادارات کل نوسازی مدارس به حیات خلوت سیاسی

بابک کاظمی

سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، عنوان اسمی زیبایی دارد؛ سازمانی که متولی تجهیز و نوسازی مدارس کشور است و زیرمجموعه دستگاه تعلیم و تربیت کشور به حساب می‌آید. این سازمان بامسما در سال‌های اخیر از رسالت اصلی خود فاصله گرفته است و عملاً مثل برخی سازمان‌های عریض و طویل و موازی، بودجه‌خور دولت و وزارت آموزش و پرورش شده است و عملاً ناترازی در توزیع و تجهیز امکانات آموزشی در این سازمان را به وضوح مشاهده می‌کنیم.

توزیع ناعادلانه و ناترازی تجهیزات آموزشی در مدارس در ایران، یکی از چالش‌های اصلی حوزه آموزش و پرورش است که به دلایل مختلف از جمله نفوذ نمایندگان مجلس، ناکارآمدی مدیریتی در ادارات نوسازی و تبدیل شدن این ادارات به حیات خلوتی برای برخی سیاستمداران، تشدید شده است. این مساله، علاوه بر ایجاد نابرابری‌های آموزشی، موجب هدررفت منابع عمومی، ضعف کیفیت آموزشی و افزایش شکاف‌های اجتماعی در جامعه می‌شود.

یکی از دلایل اصلی این ناترازی، دخالت نمایندگان مجلس در فرآیند تخصیص منابع به مدارس است. بسیاری از نمایندگان با هدف حفظ پایگاه‌های رای و جلب حمایت مردمی در حوزه‌های انتخابیه خود، ادارات نوسازی را تحت فشار قرار می‌دهند تا تجهیزات و امکانات را به مدارس خاصی تخصیص دهند که رای‌آوری آنها را تقویت می‌کند. این رویکرد، به توزیع نامتناسب و ناعادلانه منابع می‌انجامد،

به طوری که مدارس که نیاز کمتری دارند، از امکانات بیشتری برخوردار می‌شوند و در مقابل، مدارس مناطق محروم از تجهیزات اساسی

بی‌بهره می‌مانند.

ادارات کل نوسازی مدارس، به دلیل ساختار و سازوکار انتصاب مدیران خود، به بستری برای اعمال نفوذ سیاسی برخی نمایندگان تبدیل شده‌اند. نمایندگان با دخالت در فرآیندهای اداری و اعمال فشارهای سیاسی، مدیران نوسازی را عملاً به مجریان منویات و سیاست‌های خود بدل کرده‌اند. این دخالت‌ها، این ادارات را به نوعی حیاط خلوت برای نمایندگان تبدیل کرده است، جایی که منافع کوتاه‌مدت سیاسی بر مأموریت‌های آموزشی اولویت می‌یابد. در این شرایط، مدیران ادارات نوسازی به جای اجرای وظایف حرفه‌ای و توجه به نیازهای واقعی مدارس، عمدتاً به اجرای دستورات نمایندگان تن می‌دهند.

ناکارآمدی مدیریتی در ادارات نوسازی مدارس و ضعف نظارت بر عملکرد آنها از دیگر عواملی است که به بروز این ناترازی کمک می‌کند. بسیاری از مدیران این ادارات به دلیل وابستگی شغلی و مالی به نمایندگان، از استقلال کافی برای تصمیم‌گیری‌های اصولی و حرفه‌ای برخوردار نیستند و معمولاً در برابر دخالت‌ها، مقاومت نمی‌کنند. عدم نظارت موثر وزارت آموزش و پرورش بر عملکرد این ادارات نیز به این مشکل دامن زده و زمینه را برای استمرار نابرابری‌ها فراهم کرده است.

دخالت‌های سیاسی و توزیع ناعادلانه تجهیزات، آثار منفی بسیاری به همراه دارد، از جمله این پیامدها می‌توان به افزایش شکاف آموزشی میان مناطق مختلف، کاهش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار و تضعیف عدالت آموزشی اشاره کرد. در نتیجه این ناترازی، مدارس مناطق برخوردار با امکانات بیشتر، فرصت‌های بهتری برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورند، در حالی که مناطق محروم همچنان درگیر کمبودهای شدید در تجهیزات و امکانات اساسی باقی می‌مانند. برای مقابله با دخالت‌های سیاسی و بهبود توزیع تجهیزات، ضرورت دارد که وزارت آموزش و پرورش استقلال و شایستگی مدیریتی ادارات نوسازی مدارس را تقویت کند. اصلاح سازوکارهای انتخاب مدیران این ادارات، ایجاد شفافیت در فرآیندهای تخصیص منابع و نظارت دقیق بر عملکرد ادارات نوسازی می‌تواند گام‌های موثری در این زمینه باشد. همچنین، ایجاد سامانه‌های شفاف برای پیگیری تخصیص تجهیزات و دریافت گزارش‌های مردمی از مناطق مختلف، می‌تواند به بهبود عدالت آموزشی و توزیع عادلانه‌تر منابع کمک کند.

ادارات کل نوسازی مدارس، به دلیل نفوذ نمایندگان مجلس و تبدیل شدن به حیاط خلوت سیاسی، از مأموریت اصلی خود در تامین عادلانه تجهیزات آموزشی منحرف شده‌اند. برای برطرف کردن این چالش و

دستیابی به عدالت آموزشی، اصلاحات ساختاری و افزایش شفافیت و نظارت، امری ضروری است. امید است با اجرای این اصلاحات، توزیع تجهیزات آموزشی به شکلی عادلانه‌تر و کارآمدتر در تمامی مناطق کشور انجام شود و عدالت آموزشی به معنای واقعی محقق گردد.
کنشگر فرهنگی اجتماعی

□□□□□□ 1403 □□□□ 26 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□